

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

چریکهای فدائی خلق ایران
۱۶ سپتمبر ۲۰۱۶



قتل عام ۶۷ و تطهیر یکی از جلادان دهه ۶۰!

تابستان هر سال ، یاد آور یکی از ننگین ترین جنایات رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی علیه مردم ما، یعنی کشتار سازمان یافته و وحشیانه زندانیان سیاسی در سراسر کشور است. این جنایت تاریخی که نقطه اوج قتل عام های بربرمنشانه انقلابیون و مبارزین آزادیخواه در طول دهه ۶۰ ، توسط جمهوری اسلامی بود زخمی عمیق بر پیکر جنبش انقلابی مردم ما بر جای گذارد. در دهه ۶۰ مصاف بین انقلاب و ضد انقلاب در سرزمین ما در شدیدترین حالت خود قرار داشت و سردمداران جمهوری اسلامی از خمینی گرفته تا منتظری و رفسنجانی و خامنه ای و موسوی و غیره در جبهه ضد انقلاب برای سرکوب انقلاب توده ها به هر جنایت رذیلانه و بیشرمانه دست زده و جنایات خود را در روزنامه های خود علناً تبلیغ می کردند. در شرایطی که در طول این دهه سیاه و جهنمی زندان های سراسر کشور از زنان و مردان جوان و پیر و نوجوانان و کودکان پر شده بود جناح های مختلف طبقه حاکم از جناح منتظری گرفته تا دارو دسته رفسنجانی و خامنه ای و سید احمد خمینی و... از مدت ها پیش از عملی شدن توطئه قتل عام در زندان ها، برای چگونگی حل قطعی مسأله زندانیان سیاسی در رژیمشان ، با یکدیگر مسابقه گذاشته و هر یک برای "سبک کردن زندان ها" راه حلی ارائه می دادند که تفاوت شان البته در میزان و رقم کشتار زندانیان سیاسی بود. در فرجام این تضادها به دستور شخص خمینی جلاد، "پاکسازی زندان ها" در دستور کار حکومت قرار گرفت.

بلافاصله پس از صدور این دستور ننگین، بزم "کیاب قناری بر آتش سوسن و یاس" توسط دژخیمان در هر کوی برزنی بر پا گشت و در طول تنها چند ماه، نسلی از رشیدترین و دلاورترین فرزندان نورسته خلق، همچون غنچه های بهاری در چنگال "هیأت مرگ" پر پر شده و سوختند. جلادان تاریک اندیش حکومت به سیاه چال ها هجوم بردند و با احکام آنان ظرف مدت بسیار کوتاهی هزاران هزار جان شیفته به جرم آزادیخواهی و برابری طلبی بدون برخورداری از کمترین حقوق انسانی، بدون هرگونه محاکمه واقعی ، دسته دسته در مقابل جوخه های اعدام قرار گرفته و یا به دار کشیده شدند ، بی آن که فرصت آخرین وداع با عزیزان شان به آن ها داده شود.

مزدوران جمهوری اسلامی که حتی از وجود تل اجساد قربانیان خود می ترسیدند ، همچون کفتارهای خون خوار و پست ، با شتاب و به ننگین ترین شیوه ها ، جنازه اعدام شدگان را در بیابان ها و خاوران های اطراف شهر ها به

صورت جمعی دفن و برای از بین بردن آثار این جنایت تاریخی بر روی آن ها مواد کیمیائی و آهک ریختند. آن ها حتی زندانیان سیاسی را به قتل رساندند که احکام ددمنشانه زندان خود را سپری کرده ولی همچنان در چنگال حاکمان "ملی کشی" می کردند. تعداد زیادی از عزیزان زندانی را نوجوانان زیر هیجده سال تشکیل می دادند. همچنین بخشی از اعدام شدگان از زمره اسرائی بودند که با سپری کردن دوران حبس آزاد شده و مشغول زندگی خود بودند و با این حال در همین ایام دوباره و بدون هیچ دلیلی دستگیر شده و به کام مرگ فرستاده شدند.

سران تبهکار جمهوری اسلامی سال ۶۰ و در سال های ۶۰ و به ویژه در قتل عام سال ۶۷ مرتکب چنان جنایات و فجایعی شدند و چنان گورستان هائی بر پا ساختند که از وسعت آنان به قول شاعر "بازماندگان را هنوز از چشم، خونابه روان است".

بدون شک ، حمام خونی که سران جمهوری اسلامی در هراس از دستان انتقام خلق برای حفظ نظام استعمارگر و ننگین خویش در آن تابستان خونین به راه انداختند، به رغم تلاش مرتجعین حاکم و توطئه سکوت آن ها و اربابان امپریالیست شان هیچ گاه از حافظه تاریخی مردم ما پاک و فراموش نگشت و نخواهد گشت. جلادان حاکم اگر چه با این توطئه ننگین به طور لحظه ای موفق به "پاکسازی" زندان ها و حفظ و بقای نظام استعمارگرانه خویش گشتند ، اما هیچ گاه نتوانستند این جنایت تاریخی را از ذهن توده ها و جوانان آگاه محو سازند. خون پاک آن نسل، شور و شکوه و حماسه های نانوشته ای که آن تبار پاک در مصاف با مرگ آفریدند و داغی که با لبخند پیروزی شان در میدان های اعدام و بر ارتفاع دار بر دل دشمن نهادند، با هیچ ترفندی قابل پاک شدن و یا استتار کردن و نابود شدنی نبود. به همین دلیل مشعل پایداری و فداکاری های آن عزیزان به اشکال مختلف توسط خانواده های داغدارشان و توسط نیروهای انقلابی و مبارز، به رغم غضب جلاد همچنان فروزان باقی ماند و چهره کثیف نظام دیکتاتوری حاکم را در طول حیات انگلی اش افشاء کرد. چنین است که به رغم گذشت ۲۸ سال، این جنایت فاشیستی به مثابه یک نسل کشی آشکار ، همچون دملی چرکین بر پیشانی کثیف تمامی دار و دسته های درونی جمهوری اسلامی یعنی آمرین و سازمان دهندگان و مؤیدان و مجریان این قتل عام وحشیانه ، باقی مانده و خواهد ماند .

این روزها در سالگرد این جنایت تاریخی ، در حالی که خانواده های شجاع قربانیان قتل عام می کوشند با هر چه در توان دارند خاطره سترگ جگر گوشگان خود یعنی جانباختگان دهه ۶۰ و قتل عام شدگان تابستان ۶۷ را در زیر سلطه بلا منازع سرنیزه و سرکوب پاس دارند، ما شاهد گسترش دوباره تلاش های نامقدس برای آرایش چهره کثیف نظام دار و شکنجه جمهوری اسلامی از طریق شستن دست بخشی از قاتلین حاکم از این جنایت تاریخی می باشیم. با انتشار نوارهای صوتی منتظری که حاوی گوشه ای از مباحثات بین این طراح "اصل ولایت فقیه" و "امید" خمینی جلاد، با برخی از اعضای هیأت مرگ در آن سال ها می باشد، بخشی از دیالوگ درونی بین جناح های متنازع جمهوری اسلامی حول چگونگی برخورد بهتر نظام با کشتار زندانیان سیاسی دوباره تازه شده و به موضوع یک کارزار تبلیغاتی برای فریب مردم ما تبدیل گشته است. در جریان این دیالوگ درونی بین مرتجعین حاکم که محتوای آن قبلاً هم در کتاب خاطرات منتظری چاپ و در اختیار همگان قرار گرفته ، منتظری با ذکر برخی نمونه های برخورد فاشیستی هیأت مرگ خمینی در اعدام زندانیان سیاسی به آن ها "هشدار" می دهد که نگذارند تا با این اقدامات و زیاده روی ها ، تاریخ از آن ها به عنوان "جلاد" و... نام ببرد و یا چهره جمهوری اسلامی و رهبر آن مخدوش گردد. او تأکید می کند که تمامی این موارد را برای حفظ نظام و از سر دلسوزی برای آن و رهبر نظام مطرح می سازد.

همان طور که تأکید شد ، در انتشار دوباره سخنان منتظری به عنوان یک مهره اساسی نظام وابسته حاکم، هیچ مورد تازه ای به چشم نمی خورد. اما در شرایط تشدید بحران گریبانگیر جمهوری اسلامی و اوجگیری خشم و ناراضیاتی

عمومی، امروز همان سخنان به حربه ای در دست دشمنان دوست نمای مردم تبدیل شده و آن ها می کوشند با به راه انداختن موج جدیدی از تفکرات رفرمیستی، توده ها را فریب داده و خشم و نفرت آن ها از کلیت رژیم ننگ و جنایت جمهوری اسلامی را صرفاً متوجه برخی مقامات و دست اندرکاران این رژیم نموده و به این ترتیب چند صباحی دیگر بر عمر جمهوری اسلامی بیفزایند.

ما امروز شاهد تبلیغاتی هستیم که با استفاده از بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی به تأمین پوشش تبلیغاتی گسترده و آگاهانه برای پخش وسیع تر محتوای نوار صوتی منتظری پرداخته و فریبکارانه در تلاش است تا منتظری و طرفدارانش که یکی از پایه های نظام دار و شکنجه جمهوری اسلامی بوده اند را "مخالف اعدام ها" و عملاً نیروی مدافع مردم و در صف خلق جا بزند. در حالی که منتظری در تمام مدت زندگی اش و حتی از زمان مغضوب شدنش توسط بیت امام و جناح رقیب، نه خودش ادعای برائت از "نظام اسلامی" را کرده و نه هیچ گاه منافع و خواست های مردم تحت ستم و انقلابی را بر کل نظام ننگ و نکبتی که خود یکی از پایه گذارانش بوده ترجیح داده است. منتظری هیچ گاه و در هیچ برهه ای از این جنایات سیستماتیک مخالف اصل مجازات و اعدام آزادیخواهان و مخالفین نظام نبوده بلکه تنها خواهان مدیریت این تبهکاری به گونه ای بوده که آبروی نظام و رهبر آن نرود. به رغم این واقعیات، به موازات پژواک تبلیغات مسموم فوق و تقویت سیاست شوم شستن دست خونین بخشی از حکومت تبهکار جمهوری اسلامی و تبرئه آن هاست که ما می بینیم طیف مختلفی از نیروهای متزلزل و فرصت طلب نیز به میدان آمده و با نامیدن منتظری به عنوان "پدر حقوق بشر"، مبارز "نستوه" و کسی که گویا تاریخ از وی به "نیکی" یاد خواهد کرد و... و همچنین ستودن اعوان و انصار او، در واقع خون های جان باختگان دهه ۶۰ و نسل انقلابی که توسط رژیم جمهوری اسلامی و با رهبری خمینی - منتظری از دم تیغ گذشتند، را پایمال می کنند.

در این شکی نیست که پژواک وسیع خبر انتشار نوار صحبت های منتظری و اشاره وی به موارد بسیار کوچکی از عمق جنایات توصیف ناپذیر جمهوری اسلامی در سال ۶۷ در بی بی سی و صدای آمریکا و امثالهم موجب مطرح گشتن این واقعیت در سطح جامعه شده است. این هم درست است که انتشار دوباره صحبت های وی در شرایط ملتهد و بحرانی نظام، تضادهای درونی بین جنایتکاران حاکم را تشدید کرده و باعث شده تا بسیاری از تبهکاران وابسته به دار و دسته های مختلف به میدان بیایند و مجبور به اظهار نظر و اعتراف به وقوع کشتار دهه ۶۰ و قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ توسط رژیم شان گردند. اما باید متوجه بود که اولاً چه شرایطی در میان توده های مردم دشمنان دوست نما را به انتشار و پخش وسیع این نوار وادار کرده است و ثانیاً چه هدفی به نفع خود و بالطبع به ضرر مردم ستمدیده ایران از آن تعقیب می کنند! با اندکی توجه می توان دید که در هیچ یک از اظهار نظرهای دار و دسته های حاکم از محافظه کار گرفته تا اصلاح طلب و طرفداران منتظری... نه تنها کلمه ای در مورد محکومیت بی قید و شرط این قتل عام تاریخی و ابعاد آن دیده نمی شود و نه تنها نام و مشخصات و به طور کلی هویت همه جلاخان، لیست تمامی قربانیان و بسیاری واقعیات و سوالات به حق مردم و خانواده های قربانیان مطرح نمی گردند، بلکه آن ها از اصل این کشتار و از آن مهم تر از موجودیت پوسیده نظام جمهوری اسلامی، این دشمن قسم خورده مردم ما دفاع کرده و می کنند.

آن ها امروز منتظری را کسی که گویا مخالف اعدام فرزندان شریف و مؤمن مردم ایران بوده است، جلوه می دهند. این ها تبه کارانی هستند که حقیقت را می دانند ولی آن را انکار می کنند. به عکس تبلیغات فریب کارانه جاری، منتظری کسی ست که در تمام تصمیم های کلیدی گردانندگان نظام استثمارگر حاکم با هدف استحکام سلطه خونین این رژیم جنایتکار بر گرده مردم ما شرکت داشته؛ وی کسی ست که طراح اصل تبهکارانه ولایت فقیه می باشد، کسی که

خلخالی دژخیم را با حکم خود برای کشتار مردم به پا خاسته ترکمن صحرا - البته با "رعایت احتیاط" - گسیل کرده است. اکثر قاضی های "انقلاب" در طول سال های اول دهه ۶۰ که با مأموریت قلع و قمع و نابودی جوانان مبارز و انقلابی و خواهان تغییرات اساسی به نفع مردم به سراسر کشور گسیل می شدند از محصولات و منصوبین "دفتر آیت الله منتظری" بوده اند. منتظری مهره ای ست که نامش به عنوان یکی از پایه گذاران نظام ننگ و ظلم و نکبت موسوم به جمهوری اسلامی و یکی از مهره های مؤثر در تثبیت این حکومت خونخوار در تاریخ مردم ایران ثبت شده است. با توجه به این واقعیات و با توجه به تمامی تجارب تلخ و فراموش نشدنی زندانیان سیاسی و بازماندگان کشتار دهه ۶۰ و خانواده ها و عزیزان شان از جنایاتی که منتظری، تنها یکی از آمران و عاملینش بود، مرثیه خوانی برای یک جلاذ جز تف کردن بر روی حقیقت و پایمال کردن خون یک نسل در خون نشسته و از آن مهم تر آرمان های انقلابی آن نسل معنای دیگری ندارد.

سیاست تطهیر منتظری نه تطهیر یک شخص بلکه سیاست تطهیر جمهوری اسلامی ست. سیاست تطهیر منتظری، تکرار پرده دیگری از سیاست ورشکسته یافتن "خوب و بد" در میان جلاذان و قصابان حاکم است که تاریخ استفاده از آن توسط عوام فریبان به ابتدای حیات این رژیم سرا پا ضد مردمی و جنایت کار باز می گردد. این سیاست، سیاست رواج رفرمیسم و خارج کردن کل نظام ظالمانه سرمایه داری به مثابه دشمن اصلی کارگران و توده های تحت ستم ما از آماج خشم و نفرت به حق آن هاست.

در بزرگداشت یاد تمامی شیر زنان و کوه مردانی که در سراسر دهه سیاه به دست جلاذان جمهوری اسلامی خون پاک و بی گناه شان بر زمین ریخت، وظیفه ماست که بر آرمان های آن ها پا بفشاریم و خواست قلبی تمامی بازماندگان این جنایت تاریخی را هر چه وسیعتر با شعار زیر فریاد زنیم" نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم، با انقلاب علیه استعمارگران، به آتش می کشیم بساط دار و شکنجه را!"

جاودان باد خاطره پر افتخار جانباختگان دهه ۶۰

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

جمهوری اسلامی، با هر جناح و دسته، نابود باید گردد!

چریکهای فدائی خلق ایران

۱۰ شهریور [سنبله] ۱۳۹۵